

کردستان

ج.ا سرنوشت آن را با حوادث عراق پیوند زده ح. فروزان

کردستان ایران نه تنها زیرپوشش تلویزیون های کردستان عراق است، بلکه بتدریج و با ادامه سیاست سرکوب سیاسی و فرهنگی کردها و حتی تحمیل فقه شیعه به مردم مذهبی اما اهل تسنن کردستان، بتدریج زیر تاثیر سیاسی کردستان عراق نیز قرار گرفته است. هر اندازه در این سوی مرز حکومت مرکزی با فرهنگ و سنن و مذهب کردها می ستیزد و سپاه پاسداران به توپ و تانک متوسل می شود و کردها را می راند، در آنسوی مرز تلویزیون و رادیو و مراکز فرهنگی دولت تقریباً مستقل کردستان عراق فضای فرهنگی را به روی کردهای ایرانی می گشاید؛ چنان که سینما، تئاتر و شعر زیر نفوذ مستقیم اهل ادب و هنر کردهای ایرانی است. دشوار بتوان تصور کرد، حاکمیت جمهوری اسلامی توان درک روندی که طی می شود را داشته باشد. آنها حتی هشدارهای سخنگوی دولت خاتمی را هم تاب نیاوردند. عبدالله رمضان زاده گرد بود و سخنگوی دولت خاتمی. پیش تر نیز استاندار کردستان. انتخاب سیاستمداران ای از جانب خاتمی برای سهیم کردن کردهای ایران در کابینه اش.

همه این درایت ها را- مانند حاصل مذاکرات با اروپا- دولت جدید برپاد داد. مقابله خونینی که با اعتراضات مردم شهرهای مختلف کردستان در ابتدای دولت احمدی نژاد شد، دفتر یک دوران را در کردستان بست و بیش از پیش چشم امید کردهای ایران را به کردستان عراق معطوف کرد. به همین دلیل است که نگاهی به نقش ماهواره و تلویزیون های کردی و اساساً تاثیر کردستان عراق روی کردستان ایران ضروری است. از سوی دیگر و بویژه، تاثیر پذیری احزاب قدیمی و شناخته شده کردستان ایران از رویدادها و سیاست های احزاب کردستان عراق باید مورد توجه قرار گیرد. محکوم ساختن سیاست های سرکوبگرانه حاکمیت جمهوری اسلامی، هرگز نباید چنان نابینائی سیاسی را به همراه داشته باشد که هر سیاست و شعاری به صرف این محکوم سازی پذیرفته شود. از جمله شعار فدرالیسم در عراق و یا کردستان واحد در منطقه. این شعارها و خواست ها شاید متأثر از حوادث و رویدادهائی که در عراق و یا ترکیه و یا حتی سوریه آینده جریان دارد و یا جریان خواهد یافت تاثیر گذار و یا حتی مفید هم باشد، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که ما در باره کردستان ایران هم همینگونه بیاندیشیم و شعار بدهیم. کردهای ایران در کشورهای مختلف، لایه بندی های طبقاتی خود را دارند که جدا از مجموعه همین لایه بندی ها در آن کشورها نیست. همانگونه که لایه بندی های طبقاتی کردهای ایران متأثر از مجموعه ساختار بافت طبقاتی ایران است. بنابراین، شعار و سیاست گردی، برای کردستان ایران درست و تقلید از شعارها و سیاست های کردهای دیگر کشورها غلط است.

فروپاشی امپراتوری عثمانی در پی جنگ جهانی اول و تقسیمات جغرافیایی به دنبال آن، "مساله ی گرد" را به عنوان مناقشه ای منطقه ای میان کردها از یک سو و دول ایران، عراق، ترکیه و سوریه از سوی دیگر در پی داشته که تا کنون- به رغم موافقتنامه های بسیار- برای طرفین حل نشده باقی مانده است. در 1920 عقد پیمان "سور" تعیین سرنوشت کردها را به رسمیت می شناسد اما تنها چند سال بعد طی قرار داد 1923 لوزان این حق از کردها سلب می شود و در کشورهای مذکور ادغام می شوند. از آن زمان تا کنون کردستان تاریخ پر فراز و نشیبی به خود

دیده که همواره مبارزه ی کردها به اشکال گوناگون وجه غالب آن است. چیزی که بدون شک غیر قابل انکار است هویت ملت کرد و تلاش کردها برای زنده نگاهداشتن آن است. هویتی که طی دهه های متمادی سعی شده چه از سوی دولت های خودکامه محلی با سرکوب و ارباب و محروم داشتن کردها از حداقل حقوق مدنی و چه از سوی دول استعماری و امپریالیستی با معاملات پشت پرده، انکار و به بازی گرفته شود. اما حکایت همچنان باقی است و صورت مساله را نمی شود پاک کرد. در این میان کردستان عراق در مبارزه برای احقاق حقوق کردها پیشرو بوده و هر گاه جنبش ملت کرد در عراق با شکست مواجه شده پس از چندی و به شکلی دیگر سر برآورده و پرچم مبارزه را کماکان برافراشته نگاه داشته اند. هر تحولی در کردستان عراق همواره در کردستان های دیگر و بویژه کردستان ایران بازتاب داشته و تاثیر گذار بوده است. جدای از مسائلی همچون همسایگی دو کشور و سابقه ی همکاری های مبارزاتی علت این امر را می بایست در هویت کردی مشترک و ناسیونالیسم کرد جستجو کرد. به هر حال این تاثیر گذاری هیچگاه از دید دولت های حاکمه ی این دو کشور پنهان نمانده و به رغم روی کار آمدن رژیم های مختلف همگی در حساسیتی ویژه نسبت به مساله ی کردها اشتراک نظر داشته اند، بطوری که آن را مستقیما در ارتباط با "امنیت ملی" این کشورها قلمداد کرده اند. به هر حال در معادلات سیاسی منطقه ای و به خصوص در شرایط ویژه و اضطراری، اقلیت های ملی و قومی کانون های بحران را تلقی می شوند و می توانند نقش مهمی پیدا کنند. کردها در این میان بیشتر مورد توجه بوده و هستند هم به لحاظ سابقه و توان مبارزاتی و هم پراکندگی جغرافیایی خاص خود. با توجه به اینکه کردستان عراق به کمک آمریکا در دهه ی 90 خود مختاری به دست آورد شرایط آزادتری برای فعالیت کردها از فعالیت های فرهنگی از قبیل انتشار روزنامه ها، مجلات متنوع و کانال های ماهواره ای گرفته تا تشکیل پارلمان کردستان پدید آمد. سیاست های چهار کشوری که کردها در این کشورها پراکنده اند هیچگاه توام با واقع بینی نبوده، هیچگاه تلاش نشده حقوق مدنی اقلیت کرد این کشورها (و همینطور سایر اقلیت های ملی) به رسمیت شناخته شود. همیشه سعی کرده اند اقلیت کرد را در ملت واحد فارس، ترک و عرب ادغام کنند. نمونه ی سیاست تعریب (عربیزه کردن) کرکوک در کردستان عراق و نمونه های مشابه در کردستان های دیگر از این جمله اند. در کردستان ایران جمهوری اسلامی در اوایل جنگ ایران و عراق حتی اسامی اماکن کردستان را به نام های اسلامی تغییر داد. حتی شخصیتی فرهنگی چون خاتمی در جریان سفر به ترکیه و شرکت در اجلاس سران اکو با تشکیل پارلمان کردستان عراق مخالفت نمود و کردهای هر منطقه را متعلق به کشورهای خود دانست. اینها نشان از کج اندیشی هیاتهای حاکمه این کشورها دارد که به جای تاکید بر حقوق شهروندی یکسان برای همه ی ملل یک کشور بر سرکوب خواست های مدنی آنها اصرار دارند.

با تشکیل منطقه ی خود مختار کردستان عراق و بویژه پس از اشغال عراق توسط آمریکا و به دست آمدن فرصت فعالیت در کردستان عراق، کردهای ایران که تحولات کردستان عراق را دنبال می کنند و می بینند طبعاً تحت تاثیر قرار می گیرند. در این میان تاثیر شبکه های تلویزیونی کردستان عراق غیر قابل انکار است. در کردستان عراق 3 کانال ماهواره ای KURDSat، Kurdistan tv و Zagros فعالیت می کنند. Kurdsat تلویزیون وابسته به اتحادیه میهنی کردستان عراق PUK به رهبری جلال طالبانی است. مرکز پخش برنامه های این تلویزیون شهر سلیمانیه است. Kurdistan tv که تحت اختیار حزب دمکرات کردستان KDP به رهبری مسعود بارزانی است از شهر هه ولیر پخش می شود و Zagros را می توان حاصل همکاری مشترک این دو حزب دانست. در واقع Kurdsat و Kurdistan tv کانال های حزبی هستند. در آغاز فعالیت، این شبکه ها به شیوه ای دمکراتیک اداره می شدند ولی پس از یورش

آمریکا و پذیرفتن سیاست های این کشور در عراق از سوی این دو حزب هر چه بیشتر اداره ی این شبکه ها به شیوه ای متمرکزتر در جهت این سیاست ها اعمال می شود. بیشتر بینندگان این دو کانال علاوه بر کردهای عراق مردم کردستان ایران هستند که محروم از داشتن تلویزیون مستقل کردی، بسیار پیگیر برنامه های این دو شبکه را دنبال می کنند. در پی جریانات مربوط به تعلق کرکوک به کردستان عراق و پذیرش فدرالیسم برای عراق، شادی مردم در کردستان ایران تا حد درگیری با نیروهای امنیتی پیش رفت. این نشان دهنده ی تاثیر پذیری فوق العاده کردهای ایران از این کانالهاست. دلیل این اشتیاق را باید در سرکوب سالیان طولانی گذشته جستجو کرد. کردهای ایران شاهد قدرت گیری برادران خود در عراق هستند، از طرفی واضح است که آگاهی کردها نسبت به تحولاتشان در دنباله روی از رهبرانشان خلاصه شده که این نیز به نوبه ی خود نتیجه ی طرز تفکر حاصل از مبارزات عشیره ای تا همین اواخر و احساسات ناسیونالیستی شدید است. اساسا PUK در گسست از جنبش بارزانی برای پی ریزی سیاستی مدرن و منطقی در پیشبرد مبارزات ملت کرد پا به عرصه گذاشت. به هر حال Kurdsat و Kurdistan tv در کردستان ایران طرفداران بسیاری دارند. این دو شبکه با روشنفکران، هنرمندان و فعالین کرد ایرانی نیز همکاری دارند. در میزگردهای سیاسی فرهنگی از آنان دعوت می شود. در مصاحبه های تلویزیونی به همین شکل. در زمینه ی موسیقی نیز بارها شاهد دعوت نوازندگان و خوانندگان کرد ایرانی برای اجرای برنامه در کردستان عراق بوده ایم نمونه ی مشخص آن گروه کامکارها و عندلیبی است. برای برنامه سازی رابطینی از سوی کردستان عراق برای دعوت از فعالین ایرانی به کردستان ایران رفت و آمد دارند و به این صورت تلویزیون های ماهواره ای زمینه ساز ارتباطات هر چه بیشتر مردم کردستانهای مختلف با یکدیگر شده اند. پوشش خبری این تلویزیون ها عمدتا بر روی مسایل جنگ عراق، کردستان عراق و ایران است. بر روی فدرالیسم برای کردستان عراق و رای به قانون اساسی آتی تاکید می شود. شکی نیست که تاثیرات تلویزیون های کردی بسیار مثبت بوده به عنوان دریچه ای که بواسطه ی آن ملت کرد با جهان امروز ارتباطی سریع تر و وسیع تر پیدا کرده، از رویدادها دنیای امروز مطلع می شود و دنیا را بهتر می شناسد و این جدای هویت بخشی کردی است که مرهون این تلویزیون ها هستیم. اما مساله ی دیگری در این میان وجود دارد و آن شرایط دنیای امروز است. بدون شك کردها در عراق پس از فروپاشی دیکتاتوری صدام حسین و اشغال عراق توسط امریکایی ها فرصت فعالیت حتی در سطح رییس جمهوری عراق پیدا کرده اند. تایید سیاست های امریکا در منطقه از سوی رهبری کردستان عراق پوشیده نیست، و اما این سیاست همان نمایی است که با عنوان دکترین pax Americana (صلح و دمکراسی به شیوه ی امریکایی!) در يك تور بین المللی قرار است به جهان ارائه شود که برای شروع در افغانستان و عراق از آن پرده برداری کرده اند. اما اینکه در این زمینه رهبران کرد عراق تا کجا پیش می روند باید منتظر ماند و دید. ولی در این شکی نیست که در حال حاضر تلویزیون های کردی از این سیاست به شدت پشتیبانی می کنند و حتی زمزمه ی سانسور اخبار و تحلیل های مخالف اشغال عراق نیز شنیده می شود. و این چیزی است که آینده کردستان عراق را باز هم در هاله ای از ابهام قرار داده و حتی کردستان ایران را همسو با این سیاست ها قرار می دهد چرا که گفتیم در کردستان ایران این شبکه ها، به یاری سیاست ضد کردی و ضد سنی حکومت مرکزی شیعه مصرانه پیگیری می شوند. هنوز بیاد داریم معامله ی 1975 الجزیره و خیانت امثال کیسینجر به ملت کرد را. البته باید قبول کرد رهبری جنبش کرد از اشتباه مصون نبوده اما ترس از تکرار چنین خیانتی است. حوادث اخیر در کردستان ایران که با سرکوب شدید و حضور هزاران نیروی نظامی و نیروهای ویژه و اعلام حکومت نظامی پایان یافت و فقر و توسعه نیافتگی حاکم شده بر کردستان ایران، نبود مطبوعات

کردی و حداقل آزادی‌ها همه و همه کردهای ایران را بیش از پیش به پیگیری وضعیت کردستان عراق که می‌بینند شرایطی به مراتب بهتر و آزادتر دارند متمایل می‌کند و هم از اینجاست که در نهایت خطر همسویی با سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آشکار می‌شود. آمریکا تا چند هفته پیش از حمله به عراق از ترکیه درخواست نمود تا برای حمله به شمال عراق از طریق ترکیه به نیروهای آمریکایی اجازه داده شود و در ازای آن ارتش ترکیه برای سرکوب کردها در شمال عراق مختار است. این مساله با رد درخواست آمریکا توسط پارلمان ترکیه پایان یافت. تنها پس از اینکه آمریکا در جلب رضایت ترکها توفیقی پیدا نکرد به سراغ کردها آمده و با توجه به آرزوی دیرینه‌ی ملت کرد برای کردستان فدرال و قول آن به کردها آنها را با سیاست‌های خود در منطقه همسو ساخت. به هر حال مقابله با اکثریت 60 درصدی شیعه در عراق در این شرایط بحرانی و خطر مداخلات ایران و احیاناً روی کار آمدن دولت شیعه با الگوپذیری از جمهوری اسلامی، آمریکا را به قبول درخواست کردها مجبور ساخته است. امپریالیسم آمریکا می‌خواهد و توانسته که از جنبش‌های ملی و قومی به سود خود بهره‌برداری کند این موضوع همراه با سابقه‌ی تاریخی خیانت‌های غرب به جنبش کرد نکته‌ای کلیدی است که نباید از دید رهبران کرد پنهان بماند. مسلماً مسائل بسیاری از جمله تعلق کرکوک و میدان‌های نفتی آن، همچون گذشته مورد مناقشه خواهد بود.

ظهور مجدد جنبش‌های ملی و قومی و بنیادگرایی مذهبی از یک سو ناشی از جهانی شدن به شیوه‌ی آمریکایی و تلاش آمریکا برای سلطه بر جهان و به دست آوردن رهبری جهانی است و از سوی دیگر ناشی از ناکامی دولت‌های محلی در برآوردن مطالبات به حق ملت‌های ساکن در محدوده‌ی یک کشور و استقرار دموکراسی. آنچه که با توجه به شرایط جهان امروز باید به دنبال آن بود نه استقلال و فدرالیسم که تلاش برای دموکراسی است تا بتوان به واسطه‌ی آن مطالبات ملت‌ها را محقق کرد. فدرالیسم امروز دردی نه از ملت کرد و نه سایر ملت‌ها دوا نمی‌کند و تنها ابزاری می‌شود در خدمت سیاست‌های جهانی ایالات متحده که اینجا و آنجا با دامن زدن به ناسیونالیسم ملی و قومی و مذهبی و مینیاتوری کردن جهان، یوگسلاوی‌های تجزیه شده و چپ‌های مستقل دیگری بیافریند. متأسفانه اشتباه رهبری کرد عراق در مورد احزاب کردستان ایران تکرار می‌شود. اتخاذ شعار فدرالیسم با توجه به شرایط کردستان عراق و غافل از سیاست‌های جهانی در منطقه نمودی از آن است که در این اشتباه رد سیاست‌ها و شیوه‌های سرکوبگرانه و غیرمسئولانه جمهوری اسلامی که در نهایت تنها به سود سیاست جهانی ایالات متحده آمریکا عمل می‌کند، آشکار است.